

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال پنجم، شماره دهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

رضا پورصدقی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داوودی

ویراستار:

سلمان بابایی

مترجم انگلیسی:

احمدرضا عبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائنی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعة المصطفی العالمیه)

- محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم)

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markafeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

Necessity and Requirements of Sports Jurisprudence

Mohammad Mahdi Meghdadi¹

Abstract

The increasing importance and development of sports and related issues has brought a lot of discussions and questions to our jurisprudence, so that there is a tendency for creating a specialized subject as "sports jurisprudence". It should be acknowledged that dealing with sports jurisprudence should be done by studying and examining the underlying questions; For example, can sports jurisprudence be considered as a specialized jurisprudential subject and, basically, where is its place in the jurisprudence system? And what steps should be taken to establish it? The present article, by looking at the status of sports and expressing the necessity and criteria for specialization of jurisprudence, has proved that sports jurisprudence includes these criteria; therefore it should be properly scrutinized. The creation and optimal development of specialized sports jurisprudence should be step by step and with an appropriate program, especially because in this course the existence of a comprehensive educational program is needed in such a way that it can be presented in seminaries and jurisprudential centers. Also, the presence of appropriate professors and educational texts is among the most important requirements.

Keywords: Sports, Sports jurisprudence, Specialized Jurisprudence, Jurisprudence Structure, Requirements of Sports Jurisprudence

1. Associate Professor, Faculty of Law, Mofid University (mmeghdadim@gmail.com)

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال پنجم، شماره دهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)
تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۷/۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۶

ضرورت و بایسته‌های فقه ورزش

محمد مهدی مفدادی^۱

چکیده

اهمیت و توسعه روزافزون ورزش و مسائل مربوط به آن، انبوهی از مباحث و پرسش‌ها را پیش روی فقه ما قرار داده است، به گونه‌ای که صحبت از ایجاد گرایشی تخصصی به عنوان «فقه ورزش» مطرح است. پرداختن به فقه ورزش، باید با مطالعه و بررسی پرسش‌های زیربنایی صورت گیرد؛ از جمله اینکه آیا می‌توان فقه ورزش را به مثابه یک گرایش فقهی تخصصی محسوب کرد و اساساً جایگاه آن در منظومه فقه چیست؟ برای ایجاد آن چه اقداماتی باید صورت پذیرد؟ نوشتار حاضر، با نگاهی به جایگاه ورزش و بیان ضرورت و معیارهای تخصصی کردن فقه، ثابت کرده که فقه ورزش، از معیارهای مزبور برخوردار است، از این رو باید به شایستگی مورد توجه قرار گیرد. ایجاد و توسعه مطلوب فقه تخصصی ورزش، باید گام‌به‌گام و با برنامه مناسب باشد، به ویژه آنکه در این مسیر، وجود یک برنامه آموزشی جامع نیاز است به طوری که قابلیت ارائه آن در حوزه علمی و مراکز فقهی فراهم شود؛ همچنین وجود اساتید و متون آموزشی مناسب در زمره مهم‌ترین بایسته‌ها محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: ورزش، فقه ورزش، فقه تخصصی، ساختار فقه، بایسته‌های فقه ورزش.

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه مفید. mmeghdadim@gmail.com

مقدمه

با گسترش مسائل و نیازهای فقهی در عرصه‌های گوناگون، ضرورت پرداختن به فقه‌های تخصصی بیش از هر زمانی احساس می‌شود؛ لیکن این ضرورت اساسی، نمی‌تواند بهانه تکثیر عجولانه و بی‌برنامه فقه‌های تخصصی شود، بلکه تأسیس و توسعه فقه‌های تخصصی باید منطقی و بر پایه مطالعه و برنامه‌ریزی مطلوب انجام شود، چه در غیر این صورت نه تنها رهاوردی ندارد، که خود باعث مشکلات جدید و نگران‌کننده‌ای چون آشفتگی و اختلال در فقه و اجتهاد می‌شود.

در این میان، یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها، مباحث فقهی ورزش است. ورزش در زمان ما، به یک پدیده فراگیر و پرجاذبه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی تبدیل شده و به عنوان یک ضرورت مهم اجتماعی مورد توجه جوامع، دولت‌ها و سازمان‌ها قرار گرفته و همواره در حال توسعه بوده و به قلمرو مباحث آن افزوده می‌شود. بر این اساس فقه ورزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته است، لیکن پرداختن به آن نیازمند بررسی و برنامه‌ریزی است؛ هرچند این عرصه مهم با مطالبات زیاد و حجم انبوهی از مسائل فقهی رو به تزاید مواجه است. بی‌تردید نخست باید به پرسش‌های زیربنایی پاسخ داد؛ از جمله اینکه آیا فقه ورزش به مثابه یک گرایش فقهی تخصصی محسوب می‌شود؟ رابطه آن با سایر فقه‌های تخصصی و اساساً جایگاه آن در منظومه فقه چیست؟ و اینکه برای ایجاد آن چه اقداماتی باید صورت پذیرد؟

متأسفانه تاکنون به این مسائل مهم، عنایت چندانی نشده و سابقه مدونی هم برای بحث و نظریه‌پردازی در آن وجود ندارد. بدین منظور، نوشتار حاضر، با رویکرد بررسی ضرورت و بایسته‌های فقه ورزش، پس از بررسی اجمالی اهمیت و جایگاه ورزش (گفتار یکم) به مطالعه ضرورت تخصصی شدن فقه و ایجاد گرایش فقه ورزش (گفتار دوم) پرداخته و سپس بایسته‌های فقه ورزش را ارائه نموده است.

۱. اهمیت و جایگاه ورزش

امروزه ورزش، به یک پدیده فراگیر، ضروری و پرجاذبه تبدیل گردیده و در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی دارای جایگاه و

نقش مؤثری شده است، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان به ورزش نگاهی حاشیه‌ای و رویکردی و فردی داشت و آن را در قالب یک تفریح، یا نمایش مهارت و قدرت خلاصه کرد؛ بلکه به عنوان یک شاخصه مهم اجتماعی و یک راهبرد اساسی مورد توجه جوامع، دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در سطح ملی و بین‌المللی قرار گرفته و هریک می‌کوشند تا هرچه بیشتر ورزش را توسعه داده و از ظرفیت‌های فراوان آن جهت ارتقای نشاط و سلامت جامعه، رفع آسیب‌های اجتماعی، اقتدار سیاسی و سایر اهداف خود استفاده نمایند.

با رونق روزافزون ورزش و گرایش اقشار بشر به فعالیت‌های ورزشی، مسائل و مباحث پیرامون آن هم توسعه چشم‌گیری یافته است، به طوری که در حال حاضر تقریباً هیچ جامعه بشری را نمی‌توان یافت که در آن ورزش مورد عنایت و حمایت نباشد. وابستگی به ورزش و رشد و گسترش آن به ایجاد «علوم ورزشی»^۱ در محافل علمی و مراکز آکادمیک دامن زده و به موازات آن توسعه قوانین و مقررات حاکم بر ورزش و روابط و حوادث ورزشی، شاخه‌ای از مباحث حقوقی را تحت عنوان «حقوق ورزشی» به خود اختصاص داده است.^۲

ورزش به عنوان فعالیت‌های بدنی منظم و هدفمند برای کسب شادابی و سلامت عموم مردم، مفهومی روشن و قابل درک محسوب می‌شود. در فرهنگ لغت آمده است: «ورزش، اسم مصدر از ورزیدن، به معنای اجرای مرتب تمرین‌های بدنی به منظور تکمیل قوای جسمی و روحی است» (معین، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۵۰۰۲؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۴۷۶). برخی نیز گفته‌اند: «ورزش، فعالیت بدنی سازمان‌یافته‌ای است که برای تقویت قوای جسمانی و کسب مهارت‌های حرکتی انجام می‌شود» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۸۲۰۵).

البته ورزش را باید ترکیبی از فعالیت‌های بدنی و تمرین‌ها و مهارت‌های جسمی به همراه پاره‌ای از قواعد و مقررات دانست که این قواعد و مقررات شیوه‌های

1. Sport Sciences.

۲. حقوق ورزشی یا حقوق ورزش یکی از گرایش‌های علم حقوق است که به بررسی حقوقی روابط ورزشی و حوادث در ورزش می‌پردازد. (ر.ک: آقایی‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۵)

فعالیت، رقابت و رسیدن به برتری را بیان می‌کنند.^۱ به عبارت دیگر؛ ورزش به مجموعه‌ای از فعالیت‌های سازمان یافته گفته می‌شود که به منظور کسب مهارت، افزایش قابلیت‌ها و ایجاد رقابت‌های بدنی انجام می‌شود.

در این مجال شایسته است به این نکته نیز اشاره شود که در کنار ورزش، مفاهیمی نزدیک به آن (مانند بازی و تربیت بدنی) وجود دارد که نیازمند تمایز و تفکیک است.

تربیت بدنی رویکردی وسیع‌تر از ورزش دارد که در آن علاوه بر تندرستی جسمی، سلامتی روانی نیز مورد نظر است و در تعریف آن چنین گفته‌اند: «آن وجه از آموزش و پرورش است که می‌خواهد از طریق فعالیت‌های جسمانی حد اعلای رشد و پرورش استعدادهای فرد را فراهم آورد و در حقیقت تربیت تمامی ابعاد وجودی انسان (اعم از جسمانی، فکری، عاطفی و اخلاقی) را دربر می‌گیرد» (فرهمنده موحد، ۱۳۸۸، ص ۲۹). بنابراین تربیت بدنی فرآیندی آموزشی و تربیتی برای رشد و تعالی انسان است.

اما بازی و تفریح ماهیتی متفاوت از ورزش دارد، در حالی که بیشتر مردم بازی و ورزش را یکسان می‌پندارند. بازی اساساً به مفهوم سرگرمی و تفریح است؛ به عبارت دقیق‌تر بازی «هرگونه فعالیت به قصد سرگرمی و مشغولیت است که انگیزه آن دست یافتن به فایده، محصول یا نتیجه‌ای بخصوص نباشد» (میرسلیم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷۸). پس بازی مقوله وسیعی است که شامل رقص، نمایش و حتی بازی‌های آیینی هم می‌شود (همان، ص ۴۷۹).

۱. برخی حقوق‌دانان اذعان داشته‌اند که ارائه یک تعریف جامع از ورزش و تعمیم آن در تمامی سطوح جامعه بسیار مهم است و اشتباه در تعریف یا تعبیر از ورزش به عنوان وسیله‌ای برای قهرمان‌پروری، دستیابی به مدال، پرکردن ایام فراغت، برتری‌جویی‌های سیاسی و عقیدتی و امثال آن، پندارهای باطلی است که در سال‌های اخیر، صدای گوش‌خراش شکست آن را در پاره‌ای از کشورهای دنیا شنیده‌ایم (حسین آقایی‌نیا)؛ مقدمه کتاب مبانی حقوقی ورزش‌ها، مسئولیت مدنی در ورزش؛ ص ۱۳. البته این سخن در جای خود موجه است، لیکن به نظر می‌رسد این مسائل بیشتر ناشی از اهداف و انگیزه‌ها در ورزش باشد و نه تعریف ورزش. به عنوان مثال، در تعریفی آمده است: «عملیات ورزشی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های بدنی، چه فردی و چه گروهی، اطلاق می‌شود که هدف آن دستیابی به موفقیت براساس توقعات هر یک از رشته‌های ورزشی است» (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۸۱). این‌گونه تعاریف، در مقام فصل خصومت برآمده از رفتار ورزشی مانند آسیب‌های ورزشی، کارآیی دارد و در بازشناسی مبانی منطقی بحث و بیان ماهیت ورزش جامعیت لازم را ندارد.

بدین ترتیب، ورزش مرحله تکامل یافته تری از بازی است^۱ که نسبت به آن از نظم و سازماندهی بیشتر، مقررات دقیق تر و مهارت بالاتری برخوردار است، ولی لازم است که از نظر قلمرو و احکام و آثار حقوقی از بازی متمایز گردد. ناگفته نماند در موارد زیادی واژه «بازی» یا «بازی‌های ورزشی» به کار می‌رود که بی‌گمان منظور از آن فعالیت‌های ورزشی است و نه صرف رویکرد بازی و سرگرمی. برخی نویسندگان تصور کرده‌اند که «ورزش» اعم از بازی، سرگرمی، تفریح است به این دلیل که در مسابقات رسمی از واژه «بازی» برای رقابت‌ها استفاده می‌شود. مثلاً بازی‌های آسیایی، بازی‌های المپیک و مهم‌تر آنکه عمدتاً از ورزشکاران حاضر در مسابقات به عنوان «بازیکن» نام می‌برند.^۲ در حالی که همه می‌دانند که این‌گونه اصطلاحات و عبارات که کاربردشان با تسامح همراه بوده، نمی‌تواند دلیلی بر اختلاط ماهیت ورزش و بازی باشد. از این روی در بحث از موضوع و گستره فقه ورزش، بازی و تفریح و مسائل آن مطرح نخواهد بود.

۲. فقه ورزش، ضرورت و جایگاه آن

در این گفتار، نخست درباره ضرورت تخصصی شدن فقه، گفتگو می‌شود، سپس فقه ورزش به مثابه یک فقه تخصصی مورد بررسی قرار می‌گیرد و آنگاه در مورد ضرورت ایجاد این تخصص بحث می‌شود.

۱-۲. فقه و ضرورت تخصصی شدن

«فقه» در لغت به معنای فهم دقیق و عمیق آمده است و در اصطلاح نیز به معنای فهمیدن و درک دقیق اموری است که به استنباط احکام شرع کمک می‌کند، البته این

۱. در تفکیک بازی و ورزش گفته شده ورزش فعالیت جسمانی تحت نظارت مجموعه قواعد و قوانین مورد توافق است شامل مهارت‌های فردی و بر پایه انرژی جسمانی است و شخص شرکت‌کننده در ورزش ورزشکار نامیده می‌شود. اما در بازی، هدف لذت و سرگرمی است و شامل بیش از یک نفر می‌باشد و بیشتر بر پایه قدرت روحی و عملکرد کل بازیکنان است و شخص شرکت‌کننده در بازی، بازیکن نامیده می‌شود و نه ورزشکار.

<http://www.Difference-between.net/miscellaneous/difference-between-game-and-sport>.

۲. ر.ک: حسن سلطانی؛ رساله دکتری مطالعه تطبیقی ارکان مسئولیت مدنی ورزش در حقوق ایران و حقوق مالزی؛ با راهنمایی دکتر سید محمد مرندی، دانشگاه اصفهان، ص ۱۲.

فهم و درک باید ضابطه‌مند و توسط ادله معتبر انجام شود. از این رو در تعریف فقه آمده است: علم به احکام فرعی شرعی به وسیله ادله تفصیلی (حسن بن زین‌الدین، ۱۳۶۵، ص ۲۶).^۱

دانش فقه، در زمره قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین دانش‌های اسلامی است. عالمان اسلامی در طی قرون متمادی و با در نظر گرفتن پرسش‌ها، نیازها و خلأها به تحقیق و تعلیم پرداخته و همواره مرزهای فقه را گسترانیده‌اند. لیکن امروزه با مطرح شدن مباحث حکومتی و حاکمیت دینی، گسترش ارتباطات، اختراعات و پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف و توسعه روابط بین‌المللی، مسائل و چالش‌های فراوانی پیش روی فقه اسلامی قرار گرفته که نیاز به تخصصی‌کردن فقه را دوچندان ساخته است.

همان‌گونه که سلف صالح و فقهای بزرگوار در روزگار گذشته با عنایت به نیازهای زمان به تحقیق و اجتهاد می‌پرداختند و با آگاهی لازم از دانش‌های مختلف در حراست از تمامیت شریعت و مکتب، مجدانه و هوشمندانه می‌کوشیدند، امروز نیز این مسئله باید با تأکید افزون‌تر دنبال شود. فقه ما باید به صورت جدی و با هوشیاری، در گسترش مرزهای دانشی و نظریه‌سازی، در تعامل و تقابل با نظامات حقوقی دنیا حرکت کند و فقیهان و مراکز فقهی باید با شناخت کامل از نیازها و مقتضیات زمان به سوی تخصص در رشته‌های مختلف اسلامی و انسانی به پیش روند؛ با مجهز شدن به بهترین روش‌های تعلیم و تحقیق و کاویدن آخرین دستاوردهای متفکران نحله‌ها و جریان‌های فکری و فرهنگی، در جایگاه دفاع از مکتب و تفسیر راستین اسلام بایستند.

بنابراین تخصصی‌شدن فقه، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است که بسیاری از بزرگان نیز ضرورت و اهمیت آن را گوشزد کرده‌اند. آقای اراکی در این باره گفته‌اند:

آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری می‌فرمود: «چون ابواب فقه خیلی متشتت است و اقوال و ادله عقلیه و نقلیه و اجماعاتش تبّع زیاد و افراد

۱. مقصود از احکام فرعی، احکام مربوط به افعال مکلفان است، چه این احکام تکلیفی مانند وجوب و حرمت باشد و چه احکام وضعی مانند ملکیت و ضمان و چه احکام مربوط به فرد و رفتارهای شخصی یا خانوادگی او و هم‌چنین احکام مربوط به جامعه و دولت.

سریع‌الذهن لازم دارد و عمر انسانی کفایت نمی‌کند که در پنجاه باب به طور شایسته و آن‌طور که باید و شاید، تحقیق شود؛ پس خوب است برای هر بابی یک شخصی متخصص بشود». (اراکی ۱۳۶۴، ص ۴۰)

هم‌چنین محمدتقی جعفری می‌گوید:

آیت‌الله آفاسید عبدالهادی شیرازی بسیار مرد روشنی بود. آن زمان در نجف من خدمت ایشان مسئله تخصصی شدن ابواب فقه را عرض کردم. ایشان فرمود: «درست است باید دنبال مطلب را گرفت». من خدمت ایشان عرض کردم امر، دایر است بین اینکه شخصی در تمام ابواب فقه مجتهد شود، اما در این اجتهاد فقط به روایت‌های دم‌دستی اکتفا کند و بین اینکه در یک بخش - مثلاً مکاسب یا اراضی - مجتهد شود، اما درباره آن کاملاً فحوص کند و نگذارد چیزی باقی بماند؛ کدام یک از این دو اقرب به واقع است؟ ایشان فرمود: «مسلم این دومی» (مصاحبه آیت‌الله محمدتقی جعفری، ۱۳۶۶، همان، شماره ۱۹، ص ۳۷ و ۳۸)

مقام معظم رهبری نیز ضمن تأکید بر اهمیت آگاهی حوزه‌های علمیه از پیشرفت‌های به دست‌آمده در جهان امروز پیرامون مسائل مربوط به علوم اسلامی، در لزوم آشنایی حوزه‌های علمیه با سبک‌های نوین تحقیقاتی فرموده‌اند:

حوزه‌ها باید حرکت به سمت تخصصی شدن را جدی بگیرند و در فقه و اصول و بخش‌های مختلف فقهی و دیگر علوم اسلامی تخصص و درجات تخصصی به اجرا گذاشته شود. (<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=534>)

۲-۲. فقه و ورزش به مثابه یک تخصص و گرایش

بررسی فقهی موضوعات جدید و مسائل نوپیدا، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ فقه دارد. از این منظر پردازشی فقیهانه به منابع دینی و متون فقهی گزاره‌هایی را پیش ما می‌نهد که گویا ناگفته‌های علم فقه است که قواعد ناظر بر آن مورد اشاره اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته است.^۱ بی‌گمان باید نظام دانش فقه را از یک‌سو نگاه‌دار جامعه معاصر خویش و از سوی دیگر دارای ساختار برای پاسخ‌گویی به نیازهای

۱. «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: عَلَيْنَا إِلقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ» (حلی؛ ج ۳، ص ۵۴۹، ح ۶۴۷) «عَلَيْنَا إِلقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ» (مجلسی؛ ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۵).

جدید دانست. بدین جهت لازم است که حوزه‌های علمیه و مراکز علمی مربوط، با اذعان به این نظام جامع و برخورداری از برکات فقهای پیشین و بهره‌مندی از عالمان و محققان توانمند و آگاه زمان، با ملاحظه پرسش‌ها و نیازها، دامنه مطالعات و تحقیقات عمیق و دقیق خود را بگسترانند و تدابیری اتخاذ نمایند تا بر پایه اصول و قواعد فقه جواهری، موضوعات نوظهور را تعیین نموده و با تدوین ابواب فقهی جدید و تخصصی، ساحات آموزشی و پژوهشی فراخ و فاخری را برای گسترش فقه و عرصه‌های تخصصی آن ایجاد نمایند.

در این میان فقه ورزش، به عنوان یک عرصه مهم باید به شایستگی مورد توجه قرار گیرد. فقه ورزش را می‌توان به مثابه یک گرایش فقه تخصصی مطرح نمود؛ گرایشی که به احکام فقهی تمامی امور مربوط به ورزش که مورد نیاز جامعه و نظام ماست، می‌پردازد؛ از جمله مشروعیت ورزش، صنعت ورزش، مناسبات فقه و ورزش، عملیات ورزشی و رابطه ورزشکاران، مربیان، تماشاگران، داوران ورزشی، مقررات ورزشی، فدراسیون‌ها و مجامع ورزشی، حوادث و مسئولیت ورزشی.

بدین ترتیب فقه ورزش، گرایشی از فقه است که به بررسی و بیان مسائل، نظریات، قواعد و احکام فقهی مربوط به ورزش در عرصه‌های مختلف و رابطه فقه و ورزش از جنبه‌های مختلف می‌پردازد؛ در ادامه پیرامون امکان ایجاد این گرایش (فقه ورزش) بر اساس نیازها و ظرفیت‌ها بحث و تأمل می‌شود.

۲-۳. ضرورت ایجاد فقه ورزش

پیش از اینکه به ضرورت ایجاد گرایش یا رشته‌ای با عنوان «فقه ورزش» پردازیم؛ لازم است در خصوص جایگاه فقه ورزش در ساختار فقه، دقت و تأمل شود و اینکه آیا منظومه فقه ما در حال حاضر، وجود یک گرایش تخصصی به نام «فقه ورزش» را برمی‌تابد؟

بی‌تردید پرداختن به فقه‌های تخصصی امری لازم و با اهمیت است اما این کار باید با برنامه و روشمند صورت گیرد و از تکثیر بی‌ضابطه و قارچ‌گونه فقه‌های مضاف جلوگیری شود. ناگفته نماند فقه مدون ما در ابواب منسجم خود، به ویژه در بخش عبادات، به خوبی عمل کرده و اگر سخن از تخصصی کردن فقه مطرح

می‌شود، در واقع پرداختن تخصصی، عمیق و مجزا به مباحث نوپدید و فقه‌های معاصر است. فقه‌هایی که تاکنون در کتب و ابواب فقهی مدنظر نبوده و اکنون با گستره حجیمی از مسائل خود، نیازمند چارچوب و عرصه‌ای متمایزاند. البته در این مجال (تخصصی کردن فقه‌های معاصر) ملاحظات متعددی وجود دارد که باید مد نظر قرار گیرد؛ در یک مرور اجمالی می‌توان برای این امر مزایا و ملاحظات مثبت و معایب و ملاحظات منفی را در نظر گرفت. مزایای تخصصی شدن فقه، نسبتاً زیاد و قابل توجه است و مهم‌ترین آنها شامل موارد زیر می‌شود:

۱. ایجاد زمینه برای تعمیق بهتر دانش فقه؛
 ۲. تسهیل آموزش و فراهم آوردن نظام آموزشی تخصصی؛
 ۳. شناخت و ساماندهی خلأها و نیازهای فقهی؛
 ۴. ترویج و گسترش بیشتر دانش فقه؛
 ۵. تعامل با تخصص‌های دانشگاهی؛
 ۶. کارآمدسازی فقه؛
 ۷. پرورش فضلا و محققان متخصص و کارآمد؛
 ۸. حمایت از حاکمیت دینی؛
 ۹. زمینه‌سازی برای نظریه‌پردازی و ارتقای خلاقیت فقه و فقها؛
 ۱۰. افزایش نفوذ اجتماعی و نقش هدایت‌گری فقه و فقها.
- از سوی دیگر تخصصی کردن فقه، پاره‌ای از نگرانی‌ها و پیامدهای منفی را هم به دنبال دارد، که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. تورم و تکثیر بی‌رویه فقه‌های مضاف (در صورت شتاب‌زدگی و بی‌برنامه بودن)؛
 ۲. میل به استقلال تخصص‌ها از دانش فقه؛
 ۳. عدم انسجام و تضادهای گرایشی؛
 ۴. تکرار مسائل و هم‌پوشانی تخصص‌ها؛
 ۵. دشوار و پیچیده شدن اجتهاد.
- البته باید دانست که اکثر این مشکلات قابل پیش‌بینی و پیش‌گیری‌اند و نمی‌توانند برای تخصصی شدن فقه در عرصه‌های جدید، مانعی جدی ایجاد کنند.

بی‌گمان اگر تخصصی شدن فقه با برنامه و دارای روش منطقی و مناسب باشد، نه گرفتار تکثیر بی‌رویه فقه‌های تخصصی خواهیم شد و نه با مشکل عدم انسجام یا تکرار و هم‌پوشانی مسائل مواجه می‌شویم. بدین‌سان ضمن تأکید بر لزوم پیشگیری یا رفع این‌گونه مشکلات، باید هم‌چنان بر ضرورت توسعه درستی و منضبط فقه‌های تخصصی، بر پایه یک ساختار منطقی تأکید کرد.

البته با وجود ضرورت و اهمیت ساختار منطقی و معیار تقسیم‌بندی برای فقه‌های تخصصی، تاکنون در این‌باره اقدام درخور توجهی صورت نگرفته است. تنها در سالیان اخیر برخی از فقیهان بر این مهم تأکید کرده و نظراتی را نیز ارائه داده‌اند. متأسفانه این نظرات نیز چندان شکل نگرفته و کارآمد نشده‌اند و از نقد و تأمل صاحب‌نظران نیز به دور مانده‌اند.

ناگفته نماند طبقه‌بندی و ایجاد ساختاری مناسب برای دانش فقه، (بخصوص با عنایت به مباحث جدید آن) از اموری است که همواره ذهن متفکران و صاحب‌نظران حوزه فقه را به خود مشغول کرد.^۱ حتی ساختارهایی برای آن مطرح نموده‌اند، اما بعضی از این ساختارها، آن‌گونه که باید، مورد عنایت قرار نگرفته و برخی هم مورد توجه معدودی از فقیهان قرار گرفته است؛ از طرفی علم فقه از یک ساختار جامع و مبتنی بر معیارهای منطقی که مقبول عموم فقیهان و فقه‌پژوهان باشد، محروم است و این خلأ مهمی است که نیازمند توجه و تحقیق است. سازماندهی جامع و منظم شاخه‌های فقه و عرصه‌های تخصصی آن، انتظاری بجا از ساختار فقه است؛ ساختاری منطقی و مبتنی بر پایه معیارهای علمی قابل قبول، به گونه‌ای که همه شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های دانش فقه را به طور مناسب در خود جای دهد.

۱. گفتنی است که در اواخر سال ۱۳۹۷ معاونت محترم آموزشی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، اقدام به ارائه درخت‌واره‌ای جامع در حوزه‌های دانشی علوم اسلامی نمود که در عرصه فقه و اصول آن، اشاره‌ای به فقه و ورزش نشده است. البته این درخت‌واره، کاستی‌ها و ایرادات مهم‌تری را نیز دربر داشت که مهم‌ترین آن؛ فقدان منطق و معیارهای قابل فهم حاکم بر آن بود. بی‌گمان در شرایط حاضر، اگرچه به دلیل گسترش مباحث و پرسش‌های متعدد و متنوع پیش روی نظام اسلامی، توجه به عرصه‌های مختلف و جدید در فقه و توسعه آموزش فقه‌های تخصصی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، لیکن از سوی دیگر باید به این مهم هم توجه شود که توسعه بی‌مطالعه و فاقد منطق، خود موجب آشفتگی و بی‌نظمی در مسیر پیشرفت دانش فقه‌های تخصصی می‌شود و حتی می‌تواند مانع برنامه‌ریزی مطلوب فقه‌های تخصصی گردد.

شهید صدر از معدود فقهیانی است که با ژرفاندیشی و نبوغ خاص خویش تا حدودی به این مهم پرداخته است؛ (صدر، ۱۴۲۳، ص ۱۰۵) در بررسی دقیق کلام ارزشمند ایشان، یک محور اساسی برای مسائل فقه، روشن می‌شود و آن «واقعیه» است که با برخورداری از اوصافی شاخص، گسترش فقه برای آن توجیه می‌شود.^۱ بر اساس نظر شهید صدر، معیار گسترش فقه و تخصص‌های مربوط، شامل این ویژگی‌هاست:

۱. مرتبط بودن وقایع با زندگی انسان؛ یعنی معیار اصلی برای توسعه فقه، وقایع حیات بشری است، واقعیهایی که در زندگی انسان پدیدار می‌شوند و فقیه باید به آنها عنایت کامل داشته باشد. همچنان‌که در تویح شریف از حضرت صاحب الامر علیه السلام است که فرمودند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۴۰)؛

۲. متزاید بودن واقعیه‌ها؛ یعنی این واقعیه‌ها انبوه و رو به تزایداند، از این رو باید در توسعه فقه مد نظر قرار گیرند؛

۳. متجدد بودن؛ یعنی واقعیه‌ها نوشونده و تنوع‌پذیرند. همین امر ایجاد و توسعه یک عرصه تخصصی فقهی در خصوص آن را اقتضا می‌کند؛

۴. مستمر بودن؛ یعنی این وقایع انبوه و پویا، در حال تداوم و استمراراند و فراوانی آنها به یک مقطع خاص زمانی محدود نمی‌گردد.

بدین سان، طبق نظر شهید صدر، وقایع مربوط به حیات بشری که انبوه و رو به تزاید بوده و نیز نوشونده و مستمر هستند، باید معیار اصلی توسعه فقه و عرصه‌های تخصصی آن باشد؛ اما آیا این اوصاف و شاخص‌ها می‌توانند، به عنوان معیار ایجاد تخصص‌های فقهی معرفی شوند؟

۱. ایشان در کتاب *الفتاوی الواضحه* و ذیل بحث اهمیت رساله‌های علمی و تحولات آن بیان فرموده‌اند: «وعرض الاحکام من خلال صور عاشها فقهاثنا فی الماضي کان امرا معقولا، فمن الطبیعی أن تعرض احکام الاجارة مثلا من خلال افتراض دابة للسفر و لكن اذا تغيرت تلك الصور فینبغی أن یکون العرض لنفس تلك الاحکام من خلال الصور الجديدة و یکون ذلك اکثر صلاحية لتوضیح المقصود للمقلد المعاصر والوقائع المتزايدة و المتجددة باستمرار بحاجة الى تعیین الحكم الشرعی...» (صدر، ۱۴۰۳، ص ۹۷ - ۹۶).

۲. این روایت در کتاب کمال‌الدین و احتجاج طبرسی نیز آمده است.

به نظر می‌رسد اگرچه این موارد، ملاک‌های مهمی را دربر دارد، اما کامل نیست و باید امور دیگری را هم برای توجیه ایجاد شاخه‌های تخصصی فقهی در نظر گرفت. برای شکل‌دهی درست و منسجم فقه‌های تخصصی، باید معیارهایی را برگزید که ساختار و درخت‌واره‌ای کامل، منطقی و منسجم برای آنها فراهم آورده و از معایب ناشی از بی‌برنامگی و شتاب‌زدگی (همچون هم‌پوشانی، تکثیر متورم یا قارچ‌گونه و تضاد گرایشی) مصون باشد.

در این صورت، معیار واقعی برای ساختار منطقی و کامل چیست؟

برای پاسخ به این پرسش مهم، باید چند نکته مهم را مورد عنایت قرار داد:

۱. فقه مدون شیعه بدون ساختار نبوده است. قرن‌هاست که فقیهان متعهد و ژرف‌اندیش با دقت و اهتمام در این باره ساختارهایی را برقرار کرده‌اند.
۲. با توجه به نیازها و تحولات، این ساختارها باید بازسازی شوند؛ زیرا مدت زیادی است که ساختارهای موجود، دچار ایستایی و رکود شده است.
۳. ساختار چیزی نیست که از نصوص شریعت به دست آمده باشد. بلکه امری است که تحت شرایط و نیازهایی به تدریج ایجاد شده و می‌شود.
۴. تغییر ساختار فقه باید تدریجی و بدون شتاب‌زدگی باشد تا فقه‌های تخصصی با واقعیات و ظرفیت‌ها از یک سو و از سوی دیگر با توانایی فقیهان و فضیلت‌های حوزه هماهنگ شود. حتی بتواند مورد نقد و اصلاح و تکمیل لازم صورت گرفته و جایگاه شایسته خود را بیابد.
۵. نباید معیار تخصصی کردن فقه را از یک جنبه دید و در یک محور (مثلاً اجتماعی یا حکومتی) محدود کرد، هرچند آن محور بسیار مهم و دارای اولویت باشد.
۶. برای دستیابی به ساختاری جامع، هماهنگ و منطقی، مناسب است ابتدا معیارهای مهم و مؤثر را شناسایی نمود و با هم‌گرایی و مرتبط کردن آنها، تلاش کرد ساختاری ارائه شود که تا حد امکان، بیشترین معیارها را در بر داشته باشد.
۷. هر گرایش یا فقه تخصصی نیاز به تعریف و ارائه محتویات دارد که خود وقت زیادی را می‌طلبد. بی‌تردید باید از صاحب‌نظران آن رشته در تعیین مفهوم و محتوا و مصادیق آن کمک گرفت تا قلمروی آن به درستی ترسیم شود.

۸. عنوان فقه تخصصی نه باید آن‌چنان عام و گسترده باشد که عملاً با تخصصی کردن فقه منافات داشته باشد و نه آن‌چنان خاص و مضیق باشد که فاقد معیارهای متزاید و متجدد بودن مسائل آن شود. به عنوان نمونه تخصص فقه و حقوق (از نوع اول) و تخصص فقه تغییر جنیست (از نوع دوم) هر دو غیرقابل قبول‌اند. بر اساس نظرات ارائه شده و مطالعات صورت گرفته، معیارهای قابل توجه برای تخصصی کردن فقه، به قرار ذیل است و بی‌گمان وجود تمام یا اکثر این معیارها برای یک فقه تخصصی، توجیه‌کننده ضرورت تأسیس و ایجاد آن خواهد بود:

۱. گستردگی و حجم مسائل آن گرایش یا تخصص؛

۲. تنوع‌پذیری مسائل و مباحث آن؛

۳. تزایدی بودن مسائل آن؛

۴. استمرار و دوام مسائل متعدد آن؛

۵. افعالی بودن مسائل آن (نه توصیفی و گزارشی بودن)؛

۶. اهمیت و اولویت مسائل آن برای نظام و جامعه؛

۷. وجود رشته آکادمیک و دانشگاهی برابر؛

۸. نیاز به موضوع‌شناسی تفصیلی و تخصصی؛

۹. نیاز به روش اجتهادی خاص؛

۱۰. عدم شمول ابواب موجود فقه در خصوص آن.

بی‌گمان این معیارها، حصری نیستند و می‌توان موارد دیگری را نیز به آنها اضافه کرد، لیکن تأثیر آنها در توجیه تشکیل یک گرایش تخصصی فقهی غیرقابل انکار است (باید افزود که بخشی از معیارهای یاد شده برگرفته از کلام شهید صدر^۱ بوده و پاره‌ای نیز بر اساس مطالعات و همکاری‌های صورت گرفته نویسنده، در مراکز حوزوی از جمله مرکز فقهی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و موسسه عالی فقه و علوم اسلامی به دست آمده است).

بدین ترتیب، در ترسیم ساختار و درخت‌واره کنونی فقه، باید این محورها و معیارهای ده‌گانه مد نظر قرار گیرد. به عنوان مثال فقه پزشکی، یک نمونه فقه

۱. این برداشت با استفاده از سخنرانی ارزشمند استاد احمد مبلغی در موسسه عالی فقه و علوم اسلامی (قم) در خصوص فقه‌های تخصصی انجام شده است.

تخصصی است که معیارهای فوق را داراست، از این رو لزوم ایجاد چنین فقه تخصصی‌ای قابل توجیه و پذیرش است.

فقه ورزش هم که از مباحث میان‌رشته‌ای فقه و حقوق قلمداد می‌شود و به تحلیل و تبیین احکام فقهی امور مربوط به ورزش می‌پردازد، بی‌تردید از تمام یا بیشتر ملاک‌های یادشده برخوردار است، از این رو ایجاد و گسترش تخصصی به نام فقه ورزش، در منظومه فقه ما مقبول و موجه به نظر می‌رسد.

۳. بایسته‌های فقه ورزش

پس از آنکه درباره ضرورت تأسیس فقه ورزش بحث و بررسی شد، این فقه، باید در قالب یک دوره فقه تخصصی اجتهادی باشد و با توجه به روند ایجاد دوره‌های آموزشی فقه‌های تخصصی، به عنوان یک دوره دارای اولویت (در مقطع سطح چهارم) منظور گردد. در ادامه به تبیین مهم‌ترین بایسته‌های این گرایش تخصصی می‌پردازیم.

بی‌تردید برای ایجاد و توسعه درست فقه تخصصی ورزش، باید گام‌به‌گام با مطالعه برنامه مناسب حرکت نمود؛ ابتدا وجود یک برنامه آموزشی جامع نیاز است، به گونه‌ای که قابلیت ارائه آن در حوزه علمی و مراکز فقهی فراهم گردد؛ هم‌چنین وجود اساتید و متون آموزشی مناسب در زمره مهم‌ترین بایسته‌ها محسوب می‌شود.

در خصوص برنامه آموزشی، موارد مهمی باید منظور شود:

۱. این برنامه باید بر اساس ظرفیت‌های حوزوی و با رویکرد و ادبیات فقهی ترسیم شود و در واقع نظامی آموزشی و پژوهشی مبتنی بر فقه را عرضه کند، به گونه‌ای که اساتید درس خارج بتوانند با رغبت در آن مداخله کرده و در مسیر پیش‌برد و توسعه آن همراهی و مساعدت نمایند. (متأسفانه یکی از آسیب‌های عمده دوره‌های تخصصی فقه که تاکنون اجرا شده؛ اثرپذیری شدید از نظام علمی دانشگاهی و بیگانگی آن با ادبیات و روش فقهی مرسوم است؛ دوره‌هایی که بدون داشتن برنامه مناسب و عمدتاً با شتاب‌زدگی تلاش دارد که فضلا و دانش‌پژوهان با ادبیات دانشگاهی آن رشته آشنا شده و در نهایت برخی متون فقهی مرتبط با آن را نیز بخوانند و در عمل هم توفیق چندانی حاصل نمی‌شود و اتفاق خاصی نمی‌افتد، حتی در مواردی ممکن است به وازدگی و رکورد علمی نیز بیانجامد).

۲. برنامه آموزشی باید در سه بخش اصلی: تمهیدی (پیش‌درآمد)، موضوع‌شناسی و مباحث حکم‌شناسی ارائه گردد، هم‌چنین قسمتی از برنامه آموزشی باید معطوف به مهارت‌های تحقیقی و انجام پژوهش در این عرصه مهم باشد.

۳. منظور از بخش تمهیدی، مباحثی است که جنبه مقدماتی و مدخلی برای فقه ورزش داشته و به مطالبی چون مفاهیم، پیشینه، اقسام و کارکردهای ورزش، نهادهای ورزشی و روش‌شناسی بحث فقهی در آن می‌پردازد.

بخش موضوع‌شناسی هم شامل مباحثی است که جهت شناخت موضوعات مرتبط با فقه ورزش لازم است و در واقع موضوعاتی که ورزش معطوف به آنها خواهد بود. مانند: قراردادهای ورزشی، خطای ورزشی، عرف ورزشی، جنبه‌های فردی و اجتماعی ورزش، رقابت ورزشی، خشونت ورزشی، جوایز ورزشی، فدراسیون‌ها، بازی جوانمردانه، دوپینگ و... و بخش حکم‌شناسی، همان مباحث اصلی فقه ورزش است که احکام فقهی موضوعات ورزشی، جنبه‌های فقهی ورزش به لحاظ فردی و اجتماعی، قواعد فقه ورزش و نظریه فقه ورزش در اسلام را ارائه می‌کند.

به عنوان نمونه موارد زیر در زمره مباحث حکم‌شناسی قرار دارد:

حکم اولی ورزش، حکم ورزش‌های حرفه‌ای و آسیب‌زا، احکام هدایا، مدال‌ها و جوایز ورزشی، اشتغال زنان به ورزش به ویژه ورزش‌های جمعی و حرفه‌ای، احکام ورزش کودکان و نیز ورزش اشخاص آسیب‌پذیر (معلولان، بیماران، سالمندان)، احکام مربی‌گری در ورزش‌ها خاصه ورزش‌های حرفه‌ای، مسئولیت‌های مدنی (ضمان) و کیفری ناشی از عملیات ورزشی، خشونت‌ها و آسیب‌ها، تقلب در ورزش، احکام پوشش ورزشکاران، احکام تماشاگران از جمله حضور زنان به عنوان تماشاگر در ورزشگاه و هم‌چنین احکام مربوط فقه اجتماعی ورزش، نقش و وظایف دولت در ورزش، قلمرو مداخله حکومت در ورزش و محدودسازی روابط ورزشی بر پایه مصالح حکومتی.

نیاز دیگری که برای تشکیل و توسعه فقه ورزش باید مورد عنایت قرار گیرد، ایجاد متون مناسب علمی و آموزشی است. البته به لحاظ اینکه فقه ورزش پیشینه مشخص و مدونی در فقه ما ندارد و در واقع تاکنون فقهی در این عرصه کتابی را

عرضه نکرده و ادبیات فقهی آن شکل نگرفته است، انجام این کار با مشکلاتی مواجه است. از این جهت پیشنهاد می‌شود با شکل‌گیری هسته علمی فقه ورزش در یکی از مراکز فقهی حوزه علمی، اقدامات زیر (طی فرآیندی پنج مرحله‌ای) برای تهیه متن علمی انجام شود:

مرحله اول: جذب گروه فعالی از طلاب فاضل، مستعد و بادغدغه و تحصیلات مناسب و اقدام برای ارتقای دانش تخصصی و مهارت‌های تحقیقاتی آنان جهت استخراج مسائل فقه ورزش و تحلیل و استنباط در آنها؛

مرحله دوم: بررسی و تدوین مسائل ورزش در فقه ما و ارتقای تسلط علمی دانش‌پژوهان بر آنها؛

مرحله سوم: شناسایی مسائل جدید و متنوع فقه ورزش و تعمق در منابع از جمله قواعد و متون فقهی و مبانی و مستندات آنها برای تحلیل و پاسخ‌گویی زیر نظر اساتید برجسته؛

مرحله چهارم: ارائه بحث و پژوهش‌های عمیق فقهی در موضوعات فقهی ورزش توسط اساتید و تدوین آنها؛

مرحله پنجم: تدوین پژوهش‌ها با تکیه بر منابع تهیه شده، مسائل شناسایی شده و تحقیقات و بحث‌های صورت گرفته (تدوین و ارائه متن).

ناگفته نماند که پیش از تشکیل هسته یا گروه تحقیقاتی فقه ورزش، شایسته است نسبت به وضعیت شناسی فقه ورزش نیز اقدام شود. منظور از وضعیت شناسی این است که با تبیین ضرورت و جایگاه رشته تخصصی، محدوده و قلمرو رشته تخصصی تعیین شود و وضعیت شکل‌گیری و رونق مباحث آن در حوزه و هم‌چنین ظرفیت‌های موجود آن روشن گردد. از این‌رو در وضعیت‌شناسی باید امور ذیل مد نظر باشد:

۱. شناسایی و معرفی مؤسسات و مراکز حوزوی که به آن رشته پرداخته و کارهای مهمی در مورد آن سامان داده‌اند؛

۲. تبیین اقدامات علمی و کارهای پژوهشی صورت گرفته در حوزه علمی و جهان اسلام در خصوص آن رشته؛

۳. شناسایی و معرفی عالمان و صاحب‌نظران حوزوی برجسته و مؤثر در آن رشته؛

۴. برآورد حجم نیروهای علمی تربیت‌شده و متخصص در آن رشته؛
۵. بررسی اهمیت و میزان نیاز به نیروی متخصص و نیز نیاز به تولید علمی (نظریه‌پردازی) در آن.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، پرداختن به فقه و ورزش به عنوان یک گرایش از فقه‌های تخصصی باید گام‌به‌گام و بر پایه یک برنامه منسجم باشد تا همه نیازهای آن (اعم از متن، استاد، دانش‌پژوه و برنامه آموزشی) ساماندهی شود، به گونه‌ای که زمینه تثبیت و توسعه آن در حوزه و مراکز علمی وابسته به آن فراهم گردد.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که تاکنون بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت:

۱. تخصصی‌کردن فقه مهم و لازم است، به ویژه با مطرح شدن مباحث حکومتی و حاکمیت دینی و گسترش ارتباطات و پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف و توسعه روابط بین‌المللی که مسائل و چالش‌های فراوانی پیش روی فقه اسلامی قرار داده است؛ اما این اقدام مهم باید با برنامه و روش مند و طبق ساختار منسجم صورت گیرد و از تکثیر بی‌ضابطه و قارچ‌گونه فقه‌های مضاف جلوگیری شود.
۲. فقه ما بدون ساختار نبوده است. قرن‌هاست که فقیهان متعهد و ژرفاندیش با دقت و اهتمام در این باره ساختار منظمی را برقرار کرده‌اند. لیکن با توجه به نیازها و تحولات، این ساختار باید بازسازی و کارآمد شود. البته ساختار فقهی، چیزی نیست که از نصوص شریعت به دست آمده باشد. بلکه امری است که تحت شرایط، مقتضیات و نیازها به تدریج ایجاد شده و می‌شود.
۳. تغییر و تبیین ساختار فقه باید تدریجی و بدون شتابزدگی باشد تا فقه‌های تخصصی از یک سو با واقعیات و ظرفیت‌ها و از سوی دیگر با توانایی فقیهان و فضایی حوزه هماهنگ شود. حتی بتواند مورد نقد و اصلاح و تکمیل لازم صورت گرفته و جایگاه شایسته خود را بیابد.
۴. معیار تخصصی‌کردن فقه را نباید از یک جنبه دید و در یک محور (مثلاً اجتماعی یا حکومتی) محدود کرد، هرچند آن محور بسیار مهم و دارای اولویت باشد، بلکه برای دستیابی به ساختاری جامع، هماهنگ و منطقی، بهتر است ابتدا

معیارهای مهم و مؤثر را شناسایی نمود و با همگرایی و مرتبط کردن آنها، تلاش کرد ساختاری ارائه شود که تا حد امکان، بیشترین معیارها را دربر داشته باشد.

۵. بر اساس نظرات ارائه شده و مطالعات صورت گرفته، معیارهای قابل توجه برای تخصصی کردن فقه، به قرار ذیل است و بی‌گمان وجود تمام یا بیشتر این معیارها برای یک فقه تخصصی، توجیه‌کننده ضرورت تأسیس آن خواهد بود:

الف) گستردگی و حجم مسائل آن گرایش؛ ب) تنوع‌پذیری مسائل و مباحث آن؛ ج) تزیادی بودن مسائل آن؛ د) استمرار و دوام مسائل متعدد آن؛ ه) افعالی بودن مسائل آن (نه توصیفی و گزارشی بودن)؛ و) اهمیت و اولویت مسائل آن برای نظام و جامعه؛ ز) وجود رشته آکادمیک و دانشگاهی برابر؛ ح) نیاز به موضوع شناسی تفصیلی و تخصصی؛ ط) نیاز به روش اجتهادی خاص؛ ی) عدم شمول ابواب موجود فقه در خصوص آن.

۴. بدون تردید فقه ورزش، بسیاری از معیارهای یاد شده را داراست. از این رو به عنوان یک عرصه مهم باید به شایستگی مورد توجه قرار گیرد. فقه ورزش را می‌توان به مثابه یک رشته فقه تخصصی مطرح نمود؛ رشته‌ای که به احکام فقهی تمامی امور مربوط به ورزش، که مورد نیاز جامعه و نظام ماست می‌پردازد. از جمله ماهیت و مشروعیت ورزش، صنعت ورزش، مناسبات فقه و ورزش، عملیات ورزشی و رابطه ورزشکاران، مربیان، تماشاگران، داوران ورزشی، مقررات ورزشی، فدراسیون‌ها و مجامع ورزشی، حوادث و مسئولیت ورزشی و

۵. برای ایجاد و توسعه درست فقه تخصصی ورزش، باید گام‌به‌گام و با مطالعه و برنامه مناسب حرکت نمود؛ در این مسیر، ابتدا وجود یک برنامه آموزشی جامع نیاز است؛ به گونه‌ای که قابلیت ارائه آن در حوزه علمیه و مراکز فقهی آن فراهم گردد. هم‌چنین وجود اساتید و متون آموزشی مناسب در زمره مهم‌ترین بایسته‌ها محسوب می‌شود.

فهرست منابع

۱. آقای نیما، حسین (۱۳۸۱). حقوق ورزشی. تهران: نشر میزان.
۲. آقای نیما، حسین (۱۳۸۳). مقدمه کتاب مبانی حقوقی ورزش‌ها مسئولیت مدنی در ورزش. تهران: نشر دادگستر.
۳. اردبیلی، محمد (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
۴. انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: موسسه آل‌البیت.
۶. حسن بن زین‌الدین (۱۳۶۵). معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۷. حلی، احمد بن ادریس (۱۴۱۰ق). کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
۹. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۰ق). الفتاوی‌الواضحه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. فرهمند موحد، علی و مهرزاد منوچهری (۱۳۸۸). ورزش و سلامت جسم و روان. قم: انتشارات امام عصر علیه‌السلام.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. مصاحبه با آیت‌الله اراکی (۱۳۶۴). مجله حوزه. قم، شماره ۱۲ و ص ۴۷ - ۲۱.
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. میرسلیم، سیدمصطفی (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.